

خبر

ابطحی: برای سربلندی ایران لازم است همه روزهایمان هفته وحدت باشد

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب، تاکید کرد: پس از جنگ همه روزهایمان به خاطر سربلندی ایران باید هفته وحدت باشد؛ به تنظیمات کارخانه برگردیم.
حجت‌الاسلام سید محمدعلی ابطحی با اشاره به فرارسیدن هفته وحدت، در شبکه ایکس نوشت: «هفته وحدت به ابتکار مرحوم آیت‌الله منتظری برای همدلی و همکاری شیعه و سنی اعلام شد. اما این روزهای پس از جنگ به وحدت و همدلی و مهربانی و همکاری وسیع‌تری نیاز داریم. پس از جنگ همه روزهایمان به خاطر سربلندی ایران باید هفته وحدت باشد. وحدت و همدلی همه با هم، جنگ هنوز تمام نشده. به تنظیمات کارخانه برگردیم.»

محمدی: با استفاده از مزدوران داخلی به ما ضربه زدند

عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم گفت: آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه با استفاده از مزدوران داخلی از غفلت استفاده کردند و به ما ضربه زدند. قاسم محمدی در گفت‌وگو با ایسنا، در تبیین فهم هشداری مقام معظم رهبری درباره شناخت مزدوران داخلی، گفت: پاسخ به این سؤال حساس و بسیار مهم و تاریخی، کار سختی است، اما وقتی مجموعه‌ای از افراد و افکار با گرایش‌های متنوع قدری در ساختارهای رسمی و غیررسمی حاکمیت حضور می‌یابند، باید پیش‌بینی و انتظار نفوذ عناصر واداده را هم داشت. وی افزود: سیستم اداری باید به‌گونه‌ای طراحی و شکل گرفته باشد که مانع از ضربه به آرم‌ها، اهداف و ساختار نفوذ شود. طیف‌های مختلفی از تفکرات گوناگون در حقیقت ذات یک ارگانیسم انسانی و اجتماعی وجود دارند. این طیف با چراغ خاموش و نامحسوس در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نقش‌آفرین شده و سر بزنگاه علیه خودی وارد عمل می‌شود. این یک نگاه مدیریتی استراتژیک است. دشمنان نظام و انقلاب از بدو تولد جمهوری اسلامی برای به زانو درآوردن این نظام انواع توطئه‌ها و طرح‌های تخریبی و تحریفی را به کار گرفتند. از ابزارهای سخت استفاده کردند و نتوانستند به هدفشان برسند به همین دلیل سراغ ابزارهای نرم‌افزاری از جمله مزدوران و خائنان رفتند، به بیان روشن‌تر دشمنان برای به زانو درآوردن نظام جمهوری اسلامی هم‌زمان از بسته‌های تحریفی، تهدیدی و نفوذ استفاده کرده‌اند. نماینده مردم اردبیل در مجلس هشتم با بیان اینکه «نفوذ» یک عامل خودرو و خودساخته نیست، گفت: «نفوذ» یک عامل بیرونی است که برای تحت تأثیر قراردادن توانمندی‌های داخلی توسط سرویس‌های خارجی پرورش، مدیریت و هدایت شده‌اند. در حقیقت دشمنان نظام جمهوری اسلامی با استفاده از منابع، امکانات و فرصت‌هایی که در داخل کشور به خدمت می‌گیرند، از متدولوژی‌های متنوع استفاده می‌کنند تا ایجاد اختلال و مزاحمت کنند. آنان برای اجرای اهداف شوم و پلیدشان از عناصر مهم ایجاد پرازیتهای سیاسی و مزاحمت‌های محیطی، اجتماعی و سیاسی استفاده می‌کنند. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس هشتم با ورق‌زدن تاریخ سیاسی و اجتماعی جهان، استعمارگران بلوک غرب که هر ۴۰، ۵۰ سال یک بار از اسناد به‌کلی سری و محرمانه براندازانه و کودتای خود، در سراسر جهان پرده برمی‌دارند، تصریح کرد: این اسناد گویای برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده‌ای مرکب از تحریف و تخریب با هدف فروپاشی نظام‌های سیاسی است. کلیدواژه مقام معظم رهبری درباره شناخت مزدوران داخلی در این راستا قابل تفسیر و تحلیل است. «مزدور» برای این اجیر می‌شود که به منافع ملی ضربه بزند و اهداف دشمنان را در داخل پیاده کند و همچون موربان کشور را از درون سست و ناپایدار کند. فروش اطلاعات می‌کند، اخبار و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را در اختیار دشمن قرار می‌دهد یا در سیستم‌های اداری و نظامی رخنه می‌کند تا سر بزنگاه سیاست‌های تخریبی خود را پیاده کند.

سعیدی: جزایر سه‌گانه تا اید متعلق به ایران است

عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در واکنش به بیانیه نشست وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس گفت: جزایر سه‌گانه تا اید متعلق به ایران است و ما به اندازه سر سوزنی از خاک عزیز خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم. بهنام سعیدی در واکنش به بیانیه نشست وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس درباره جزایر سه‌گانه ایرانی، گفت: این ادعای واهی، توخالی و پوچ، هر سال از سوی شورای همکاری خلیج فارس مطرح می‌شود. یکی از بندهایی که معمولا به آن استناد می‌کنند، موضوعی بسیار تکراری است که هیچ مستندی در عرصه بین‌الملل و حتی در اسناد منطقه‌ای ندارد. وی تاکید کرد: جزایر سه‌گانه تا اید متعلق به ایران است و چنین ادعاهایی هیچ فایده‌ای برای آنها نخواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران به اندازه سر سوزنی از خاک عزیز خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. عضو هیئت‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس بیان کرد: متأسفانه همیشه بخشی از این ادعاها تحت تأثیر افرادی مطرح می‌شود که نسبت به جمهوری اسلامی ایران موضوع دارند؛ یعنی کشورها و دولت‌هایی که ممکن است تحت تحریک سایرین قرار گیرند. سعیدی در پایان تاکید کرد: جزایر سه‌گانه خاک ایران است. لذا هیچ تفاوتی بین جزایر سه‌گانه با پایتخت جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد.

سرلشکر عبداللهی: نیروهای مسلح آماده‌تر از پیش هستند

فرمانده ارگراکه مرکزی خاتم‌الانبیا در پیامی با تاکید بر آمادگی کامل نیروهای مسلح برای حفاظت از ایران، گفت: ما نسبت به قبل از جنگ تحمیلی اخیر آماده‌تر و از دستاوردهای بالاتر و بیشتری برخورداریم و ملت عزیز ایران هیچ‌گونه نگرانی نسبت به آینده نداشته باشند. سرلشکر علی عبداللهی در پیامی به مناسبت فرارسیدن میلاد پیامبر اسلام و آغاز هفته وحدت، بیان کرده است: «فرارسیدن هفته وحدت که با نام مبارک پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیوند خورده، فرصتی است تا با تأمل در آموزه‌های نورانی آن حضرت وحدت و همبستگی را بیش از پیش در کشور عزیزمان ایران و امت اسلامی تقویت کنیم. اتحاد مقدسی که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با هوشیاری و هوشمندی ملت قهرمان و منسجم ایران همچون دوران دفاع مقدس هشت ساله و توطئه‌های مختلف علیه کشور رقم خورد نه‌تنها دشمن صهیونیستی و آمریکا را در پیگیری اهداف خصمانه خود، علیه کشور ناکام گذاشت، که جلوه‌های زیبا و ماندگار از همبستگی ملی ایرانیان را به جهانیان نشان داد. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تاسی از آموزه‌های الهام‌بخش و وحدت‌آفرین قرآن و اسلام عزیز و تحت زعامت فرماندهی معظم کل قساو حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و براساس وظایف ذاتی خود همواره در آمادگی کامل برای حفاظت از کیان کشور، امنیت ملی و دستاوردهای انقلاب اسلامی به سر می‌برند و نسبت به قبل از جنگ تحمیلی اخیر آماده‌تر و از دستاوردهای بالاتر و بیشتری برخوردار هستند و ملت عزیز ایران نباید هیچ‌گونه نگرانی نسبت به آینده داشته باشند. دشمن با جنگ روانی و رسانه‌ای درصدد است فضای کشور را ملتهب کند، در حالی که خود در عرصه‌های مختلف دچار مشکلات فراوانی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.»



عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در آستانه نشست فصلی جدید شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از ۱۷ تا ۲۱ شهریور در وین برگزار می‌شود، بار دیگر تحولات سیاسی و فنی درباره پرونده هسته‌ای ایران به اوج رسیده است. مرور رویدادهای هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که با فافال گروسی، مدیرکل آژانس، همانند خردادماه گذشته که با ارائه گزارش‌های بحث‌برانگیز و لابی‌های گسترده با اروپا و آمریکا زمینه‌ساز صدور قطع‌نامه‌های ضد ایرانی شد، این بار نیز با سناریویی مشابه در تلاش است تا هم‌زمان با انتشار دو گزارش تازه درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و با برجسته‌سازی ادعاهای نگران‌کننده، زمینه سیاسی لازم برای اعمال فشار حداکثری علیه تهران را فراهم کند. دیدارهای متعدد گروسی با کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، سفر مقامات آژانس به آمریکا و راینزی‌های هماهنگ با دیپلمات‌های اروپایی نشان می‌دهد که مجدداً مدیرکل آژانس فراتر از یک نهاد فنی، در قامت بازیگری سیاسی ظاهر شده است که هدف اصلی‌اش آماده‌سازی افکار عمومی و اعضای شورای حکام برای اقداماتی تنبیهی علیه ایران است. هم‌زمان، ضرب‌الاجل‌های اعلامی گروسی برای بازگشت تهران به همکاری‌های فنی با آژانس، انتشار هفدهم‌د گزارش‌های محرمانه در رسانه‌های غربی و حتی طرح ادعاهایی درباره احتمال نظامی‌شدن برنامه هسته‌ای ایران، همگی این گمانه را تقویت می‌کند که نشست پیش‌رو می‌تواند به صحنه تقابل دیپلماتیک جدیدی میان ایران و غرب تبدیل شود. دراین‌میان ایران که حملات آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ایش را نقض آشکار حقوق بین‌الملل و اقدامی با هدف اخلال در همکاری‌های فنی با آژانس می‌داند، بارها تاکید کرده است که فعالیت‌های هسته‌ایش صرفاً ماهیت صلح‌آمیز دارد و هرگونه توافق جدید باید با تضمین‌های امنیتی و لغو تحریم‌ها همراه باشد. با این حال، به نظر می‌رسد گروسی با طرح مهلت‌های زمانی و فضا‌سازی رسانه‌ای، تلاش دارد تا فضای نشست را به سمتی سوق دهد که صدور قطع‌نامه‌های جدید علیه ایران یا حتی فعال‌شدن مکانیسم ماشه، به‌عنوان گزینه‌های محتمل روز میز باقی بمانند.

گزارش فنی با ادامه بازی سیاسی گروسی!

با نزدیک شدن به نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تنش‌ها و گمانه‌زنی‌ها حول پرونده هسته‌ای ایران شدت یافته است. این نشست که قرار است از ۸ تا ۱۲ سپتامبر (۱۷ تا ۲۱ شهریور) برگزار شود، طبق بیانیه رسمی آژانس، محوریت آن شامل مسائل گسترده‌ای مانند ایمنی هسته‌ای و تشعشعات، گزارش امنیت هسته‌ای ۲۰۲۵، راستی‌آزمایی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای، طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، اعمال پادمان‌ها در کشور‌های مختلف و انتقال مواد هسته‌ای تحت چارچوب‌های بین‌المللی خواهد بود. با این حال، مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش نشست پیش‌رو، بررسی دو گزارش فصلی آژانس درباره ایران است که پیش‌تر منتشر شده و همانند گذشته، بخش‌هایی از آن به صورت غیررسمی در رسانه‌ها منتشر شد. این گزارش‌ها به ادعای افزایش ذخایر اورانیوم با غنای تا ۶۰ درصد و تأثیر حملات اخیر آمریکا و اسرائیل بر تأسیسات هسته‌ای ایران پرداخته‌اند و محور اصلی بحث کارشناسان بین‌المللی شده‌اند. در همین راستا آوسشیتدیرس خبر داد که آژانس در گزارش اول خود تاکید دارد «میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران در سطح ۶۰ درصد تا ۱۳ ژوئن به ۴۴۰۰ کیلوگرم رسیده که در مقایسه با گزارش ده می، افزایشی ۳۲.۳ کیلوگرمی داشته است. همچنین کل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران در همه سطوح به ۹۸۷۴.۹ کیلوگرم رسیده که ۶۲۷.۳ کیلوگرم بیشتر از گزارش قبلی است.» به گفته این رسانه، آژانس همچنین مدعی است که «داده‌هایش براساس اطلاعات ارائه‌شده از سوی ایران و فعالیت‌های راستی‌آزمایی بین ۱۷ می تا ۱۲ ژوئن تهیه شده‌اند. باوجوداین، گزارش تاکید می‌کند که پس از حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در ۱۳ ژوئن، آژانس قادر به جمع‌آوری اطلاعات میدانی و راستی‌آزمایی کامل نبوده است، اما این محدودیت‌ها مانع از آن نشده که آژانس به برجسته‌سازی میزان ذخایر اورانیوم و تاکید بر نگرانی‌های بالقوه ادامه دهد.»

آوسشیتدیرس می‌گوید که گزارش دوم آژانس به حوادث مرتبط با مأموریت بازرس‌ها در تأسیسات فردو می‌پردازد و ذیل گزارش مذکور، این نهاد (آژانس) با انتقاد از لغو مأموریت دو بازرس، آن را غیرموجه می‌داند. ایران این اقدام را ناشی از مسائل امنیتی و رعایت پروتکل‌های حفاظتی اعلام کرده و تاکید دارد که هیچ‌گونه اطلاعات حیاتی یا محرمانه‌ای به خطر نیفتاده است. به عبارت دیگر، این بخش از گزارش، درعین‌حال که فنی به نظر می‌رسد، دارای ابعاد سیاسی و رسانه‌ای است که می‌تواند در شورای حکام از آن سوءاستفاده شود.

هیت ایرانی دروین

پیرو احتمال سوءاستفاده غربی‌ها از موارد ادعایی در گزارش‌های آژانس، شاهد سفر قریب‌الوقوع یک هیئت ایرانی به وین خواهیم بود که در شرایط کنونی، این سفر بیش‌از اهمیت ویژه‌ای یافته است. طبق گزارش لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال، این سفر پس از دیدار پنجشنبه گذشته عباس

عراقچی، معاون وزیر امور خارجه ایران، با کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در دوحه (پایتخت قطر) انجام می‌شود و هدف آن هماهنگی برای ازسرگیری تعاملات فنی با آژانس است. تا لحظه تنظیم گزارش، جزئیات دقیق سفر این هیئت و محتوای مذاکرات مشخص نشده، اما انتظار می‌رود محور گفت‌وگوها شامل نحوه بازگشت بازرس‌ها به سایت‌های آسیب‌دیده، بررسی تضمین‌های امنیتی برای کارشناسان و نحوه تعامل ایران با الزامات پادمانی باشد. از منظر دیپلماتیک، این سفر و گزارش‌های منتشرشده آژانس در کنار هم تصویر واضحی از فشار و تهدیدهای بالقوه بیش از نشست فصلی ایجاد می‌کنند. گروسی ضمن ملاقات با دیپلمات‌های اروپایی و آمریکایی، به‌صراحت تاکید کرده است که مذاکرات با ایران نباید ماه‌ها طول بکشد و باید پیش از نشست به نتیجه برسد. این اقدام، ترکیب فعالیت‌های فنی و فشار سیاسی را در آستانه جلسه شورای حکام نشان می‌دهد و به باور برخی تحلیلگران، تکرار الگوی خردادماه است که منجر به صدور قطع‌نامه‌های ضد ایرانی شد.در نهایت، نشست فصلی پیش‌رو یک آزمون برای سنجش توانایی ایران و آژانس در مدیریت بحران و تعامل فنی-دیپلماتیک است. حضور هیئت ایرانی در وین و تاکید بر ضرورت تضمین‌های امنیتی، تلاش برای جلوگیری از تنش‌های سیاسی و حفظ رویکرد فنی را نشان می‌دهد، درحالی‌که فشارهای رسانه‌ای و سیاسی آژانس، همواره تهدیدی برای پیچیده‌ترشدن فضای نشست محسوب می‌شود. این تعارض میان فنی و سیاسی بودن فعالیت‌های آژانس، محور اصلی بررسی و تحلیل کارشناسان و دیپلمات‌ها در روزهای منتهی به نشست است.

راینزی دیپلماتیک با تقسیم‌را؟

در راستای نکات یادشده، تحرکات دیپلماتیک این روزهای رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. گروسی و دیگر مقامات آژانس در مدت اخیر علاوه بر دیدار با دیپلمات‌های اروپایی دیگر و مقامات آمریکایی نیز گفت‌وگو کرده و تلاش دارند که روند بازگشت بازرس‌ها به سایت‌های هسته‌ای ایران را تسریع کنند.

افزون بر این، گروسی در مصاحبه با رویترز تاکید کرده است که مذاکرات برای بازگشت بازرس‌های باید طی چند روز آینده در وین نهایی شود و بازرس‌ها آغاز شود. او از ایران خواسته است هرچه سریع‌تر سازوکارهای فنی لازم را برای ازسرگیری کامل فعالیت‌های نظارتی فراهم کند. درحالی‌که به‌صراحت گفته است امکان ادامه طولانی‌مدت تأخیرها وجود ندارد. این اظهارات، ضرب‌الاجل فنی و هم‌زمان سیاسی را نشان می‌دهد و ماهیت این فشار را دوگانه به‌تاکید بر ضرورت اقدامات فنی و هم برجسته‌سازی نقش زمان در تصمیم‌گیری‌های شورای حکام.

به‌علاوه، مدیرکل آژانس با تاکید بر اینکه هنوز امید خود را برای توافق از دست نداده است، تلاش می‌کند پیام روشنی به ایران و کشورهای عضو شورای حکام منتقل کند که «فرایند تعامل باید سریع، فنی و شفاف باشد، در غیراین‌صورت فضای تصمیم‌گیری برای اقدامات شدیدتر در نشست فصلی فراهم می‌شود». این سیاست ترکیبی از فشار رسانه‌ای، دیپلماتیک و فنی، به طور مشخص الگویی شبیه نشست خردادماه را تداعی می‌کند که منجر به صدور قطع‌نامه‌های ضد ایرانی شد و به بهانه اسرائیل برای تجاوز به ایران انجاسید، بنابراین این روند سیاسی و غیرفنی مدیرکل آژانس نشان می‌دهد که گروسی در آستانه نشست جدید، همچنان نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فضای ضد ایرانی شورای حکام دارد.

گزارش‌های اخیر آژانس، با وجود اشاره به توقف فعالیت‌های میدانی پس از حملات ژوئن، تلاش دارند میزان ذخایر اورانیوم ایران را برجسته کند. داده‌های دو گزارش آژانس از سوی ایران تایید نشده و این نهاد (آژانس) به طور تفریحي ادعا می‌کند که بخش درخور توجهی از این ذخایر می‌تواند در صورت غنی‌سازی بیشتر برای تولید سلاح هسته‌ای استفاده شود. اما ایران بارها تاکید کرده که فعالیت‌های هسته‌ای این کشور صرفاً صلح‌آمیز است و حملات آمریکا و اسرائیل نه‌تنها تداوم همکاری‌های فنی را مختل کرده، بلکه ضرورت تقویت امنیت تأسیسات هسته‌ای کشور را بیش‌ازپیش آشکار کرده است.در این شرایط همان‌طور که گفته شد، سفر هیئت ایرانی به وین می‌تواند نقطه عطفی -برای کاهش یا افزایش تنش‌ها باشد. با این حال، تحرکات گروسی و تاکید او بر تعیین ضرب‌الاجل برای تهران در راستای آغاز همکاری مجدد با تهران، به‌وضوح نشان می‌دهد که فضای نشست فصلی شورای حکام فراتر از مسائل فنی، تحت تأثیر محاسبات سیاسی و حتی فشارهای رسانه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است. بی‌تردید نشست فصلی شورای حکام آزمونی برای تعیین مسیر تعامل دیپلماتیک یا تشدید بحران محسوب می‌شود. باید ادعا کرد که در سایه رفتار اخیر گروسی



«شرق» از معادلات جدید پرونده هسته‌ای ایران در آستانه نشست فصلی جدید شورای حکام گزارش می‌دهد

بازی دولبه آژانس؛ فنی یا سیاسی؟

و هماهنگی‌های او با کشورهای اروپایی و آمریکایی، این نشست می‌تواند بازتابی از تضاد میان نگاه فنی و رویکرد سیاسی آژانس باشد و به‌وضوح نشان دهد که در شرایط فعلی، هر تصمیم فنی در چارچوب این نهاد، به‌شدت تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و فشارهای بین‌المللی قرار دارد.

موضع تهران: حقوق هسته‌ای، تضمین امنیتی و شرط‌گذاری برای تعامل با آژانس

در روزهای منتهی به نشست فصلی شورای حکام، ایران ضمن پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود، بر چند اصل اساسی در قبال برنامه هسته‌ای کشور و تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکید کرده است. نخستین و مهم‌ترین این اصول، صلح‌آمیزبودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. مقامات جمهوری اسلامی بارها تصریح کرده‌اند که برنامه هسته‌ای کشور صرفاً در چارچوب اهداف صلح‌آمیز و تحت نظارت آژانس انجام می‌شود و هرگونه تلاش برای تولید سلاح هسته‌ای از سوی ایران رد شده است. این موضع نه‌تنها براساس فتوای رهبر معظم انقلاب است، بلکه در مکانیسم‌های داخلی و تعهدات بین‌المللی ایران نیز بازتاب یافته است. نکته دوم، تاکید بر حقوق ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های هسته‌ای مطابق با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است. تهران تاکید دارد که غنی‌سازی صفر برای ایران غیرقابل قبول است و محدودکردن فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، ناقض حقوق هسته‌ای ایران محسوب می‌شود. مجید تخت‌روانچی، معاون وزیر خارجه، در این‌باره اعلام کرده است که غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران نه‌تنها ضرورت فنی دارد، بلکه یک حق قانونی و الزامی برای تضمین استقلال کشور در حوزه انرژی هسته‌ای است. این امر به‌ویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که ایران پیش‌تر مجبور به واردات مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بوده و اکنون توان تولید داخلی را کسب کرده است. سومین اصل مورد تاکید، ضرورت دریافت تضمین‌های امنیتی قبل از هرگونه بازگشت به تعاملات گسترده با آژانس است. ایران به صراحت اعلام کرده که حملات نظامی اخیر آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای کشور، نه‌تنها حقوق بین‌الملل را نقض کرده، بلکه ایجاد هرگونه همکاری فنی بدون تضمین‌های امنیتی را غیرممکن کرده است. این تضمین‌ها شامل اطمینان از عدم تکرار حملات مشابه، محافظت از کارشناسان و تجهیزات و ایجاد شرایط پایدار برای فعالیت‌های فنی آژانس است. تخت‌روانچی تاکید کرده است که بدون وجود چنین تضمین‌هایی، هیچ مذاکرات واقعی و سازنده‌ای ممکن نخواهد بود و ایران هرگونه اقدام یا توافق را مشروط به امنیت کامل فعالیت‌های خود می‌داند.

تلاش برای حفظ کانال‌های دیپلماتیک

در کنار این مواضع، ایران هم‌زمان با کشورهای میانیجی مانند عمان و ترکیه، تلاش دارد پیام‌هایی بین تهران و طرف‌های غربی منتقل شود تا زمینه‌های گفت‌وگو فراهم شود. علی لاریجانی، نایب شورای عالی امنیت ملی، در گفت‌وگو با مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر انگلیس، بر ادامه تبادل‌انظر برای ساماندن مسائل هسته‌ای از طریق مذاکره تاکید کرده و خواستار تضمین‌های لازم قبل از آغاز دور جدید مذاکرات شده است. این اقدامات نشان می‌دهد تهران قصد ندارد تحت فشارهای زمانی یا سیاسی تصمیم بگیرد و بازگشت به تعامل با آژانس را منوط به شرایط مشخص و ایمن می‌داند. علاوه بر این، ایران بر لزوم حفظ اصل بر-در-در مذاکرات تاکید دارد؛ کمالاینکه مسعود پزشکیان در سفرش به چین اعلام کرده توافق‌های احتمالی باید منافع دو طرف را تأمین کند و هیچ‌گونه تحمیلی از سوی غرب پذیرفته نخواهد شد. این موضع نشان‌دهنده اراده تهران برای مدیریت مذاکرات با رویکرد منطقی، فنی و حقوقی است و در عین حال، یک پاسخ غیرمستقیم به فشارها و ادعاهای گروسی تلقی می‌شود. ایران همچنین حادثه لغو مأموریت بازرس‌ها در فردو را براساس ملاحظات امنیتی و با هدف حفاظت از

تأسیسات هسته‌ای خود دانسته و تاکید دارد چنین اقداماتی نباید با برجسب‌های سیاسی و فشار خارجی اشتباه گرفته شوند.

ادامه در صفحه

دوست عزیز مان، ارسلان ابدی

با قلبی اندوهگین، فقدان پدر بزرگوار و نیک‌سرشت، شادروان **عباس ابدی**، را تسلیت می‌گوییم. بی‌تردید داغ فقدان چنین پدری، داغی سترگ است، اما یاد و خاطره نیکوی او همواره چون چراغی فروزان در دل‌ها باقی خواهد ماند. برای آن پدر مهربان آرامش ابدی و برای شما و خانواده داغدار، شکیبایی و پایداری از درگاه ایزد متان خواستاریم.

مهدی آجرلو، مهدی اقبال، امیرافراز برخورداری، محمدرضا بنی‌طبا، علالدین جزایری، علی جمالی حمیدرضا خاد، محمدحسین خورک، مصطفی رسته‌مقدم، ابوالفضل رضایی، علیرضا دولابی امیر سیدین، بهروز شاهرخ‌نیا، محمد شفیع، سعید شریعتی، علی شهبازی، محمداسماعیل صحابه علیرضا طاهری، علی طباطبایی، احسان قلمچی، سعید قریشی، بهروز کاظمی، داود کریمی حسین مظفری، محمدجواد مظفری، محمدرضا معتمدی، عادل محمدحسینی، رضا میرصدرا سمنانی رهبر صدرا میردامادی، محمدحسین مهرزاد، مهدی نادمی، مرتضی ناعمه، میثم وره‌چهره

یک نکته، یک نظر

غنی‌سازی و توسعه



احمد شیرزاد

سؤال اول: آیا توقف خواسته یا ناخواسته غنی‌سازی اورانیوم، چرخ صنعت و توسعه را در ایران متوقف می‌کند؟ پاسخ: ایران با افتخار در صنایع و فناوری‌های متعددی کام‌هایی بلند و جدی برداشته است. وقفه در هر یک از آنها نمی‌تواند چرخ توسعه علمی و صنعتی در زمینه‌های دیگر را از کار بیندازد. حتی در زمینه فناوری هسته‌ای نیز بسیاری از کارها بدون آنکه به حلقه غنی‌سازی وابسته باشند، می‌توانند به حیات و توسعه خود ادامه دهند. برای مثال، ما در توسعه نیروگاهی، اگر به صلاح‌مان باشد، با مشکل خاصی روبه‌رو نیستیم. زمینه‌های پرافتخاری مثل تولید رادیوداروها و بسیاری از کاربردهای دیگر فناوری هسته‌ای با چشمه‌های موجود و چشمه‌های قابل تهیه امکان‌پذیر هستند.

سؤال دوم: آیا غنی‌سازی اورانیوم از جهت نظامی-امنیتی به ما قدرت می‌دهد؟ پاسخ: بارزترین وجه غنی‌سازی برای ما، وجه سیاسی آن است. به بیان دیگر، غنی‌سازی در حال حاضر برای ایران کالایی بسیار ارزشمند از حیث سیاسی است. در این‌باره در ادامه بیشتر توضیح خواهم داد، اما غنی‌سازی در شرایط موجود برای ما ارزش و اهمیت تسلیحاتی و نظامی ندارد. دلیل آن نیز روشن است؛ در شرایطی که مسئولان کشور به صراحت اعلام می‌کنند که سلاح هسته‌ای در دکتین نظامی و دفاعی ایران جایی ندارد و فتوای پراهمیت مقام معظم رهبری تولید و نگهداری سلاح هسته‌ای را حرام شوی به حساب می‌آورد، واضح است که فرایند غنی‌سازی برای ما واجد ارزش نظامی نخواهد بود.

سؤال سوم: آیا با دستیابی به فناوری غنی‌سازی می‌توان در تجارت جهانی اورانیوم غنی‌شده جایی برای ایران باز کرد و به‌عنوان تولیدکننده سوخت در بازار جهانی وارد شد؟

پاسخ: جواب تقریباً منفی است. برای این جواب چند دلیل وجود دارد که فهرست‌وار اشاره می‌کنم. نخست اینکه کشور ما از لحاظ معادن اورانیوم بسیار فقیر است و ما حتی برای همان یک نیروگاه خودمان نیز دسترسی کافی به مواد اولیه و سنگ معدن اورانیوم نداریم. دوم اینکه امکان واردات سنگ معدن را هم به روی ما بسته‌اند. در رژیم گذشته برای دسترسی تضمین‌شده به مواد اولیه، کشور ما درصدی از سهام شرکت فرانسوی اrodیف را خریداری کرد، اما پس از انقلاب حتی یک گرم از محصولات آن را به ما ندادند. سوم اینکه بر فرض راه برای تجارت اورانیوم چه از لحاظ واردات مواد اولیه و چه از لحاظ صادرات سوخت باز شود، اما آیا تولید سوخت برای ما واجد صرفه اقتصادی است یا نه؟ به عبارت دیگر آیا مبالغی که برای تولید سوخت صرف می‌کنیم، با ارزش افزوده ایجادشده برابری می‌کند؟ در پاسخ احتیاط می‌کنم چراکه دسترسی به اطلاعات دقیق عملکردی ندارم، اما به گمانم پاسخ منفی است. روشن است که دستگاه‌های مسئول باید بدون تعصب و به‌طور دقیق و کارشناسانه به بررسی این موضوع بپردازند. و بالاخره، چهارمین و اصلی‌ترین دلیل آن است که در عمل به دلیل شرایط خارجی و فشارهایی که به ما می‌آورند، راه برای هر نوع داووست‌سته بسته است. متأسفانه صنعت هسته‌ای برای ما مثل نفت یا پتروشیمی نیست که بتوانیم آزادانه در چرخه مبادلات بین‌المللی آن وارد شویم.